



# درس‌های معنوی از فصل بهار

خطبه‌های پیشنهادی

تدوین و نشر:

بنیاد مجازی آبادگران مساجد

[www.aabadgaran.ir](http://www.aabadgaran.ir)



در آستانه‌ی فصل زیبا و دل‌انگیز بهار هستیم؛ بهار جشن طبیعت است. فصل آغاز و نو شدن است؛ فصل شکفتن و دمیدن جان در تن طبیعت است. بهار با خودش، هوای خوب و حال خوب و روزهای خوب می‌آورد. دگرگونی فصل‌ها جلوه‌ای از قدرت بی‌پایان خداوند است و فصل بهار نیز سرشار از درس‌ها و نکته‌های معنوی و اخلاقی بوده که همواره، مورد توجه مراجع فکری تربیتی قرار گرفته است. در این خطبه، به مناسبت فرارسیدن فصل بهار، به چند مورد از این درس‌ها اشاره می‌گردد.

## ❖ بحث

## ✓ درس اول: همچون بهار، درون خود را به گلستانی همیشه خرم و سرسبز بدل کنیم.

اولین درسی که از فصل بهار می‌توان آموخت این است همان گونه که طبیعت، خزان و بهاری دارد، دنیای درون آدمی نیز خزان و بهاری دارد و تحولات مشابهی را از سر می‌گذرانند. بلکه بالاتر از این، از منظر عارفان، خزان و بهار جهان بیرون، بازتاب خزان و بهار جهان درون ماست. خزان و بهار دنیای درون هر کس تحت کنترل و اختیار خود اوست. ما می‌توانیم دنیای درون خود را به نحوی عوض کنیم که به جای اینکه دائماً میان خزان و بهار در نوسان و رفت و آمد باشیم، همیشه بهار و سرسبز و خرم باشیم و درخت وجودمان همواره میوه‌های شیرین بیار آورد. بلکه از این بالاتر، از طریق سرسبز کردن جهان درون خود می‌توانیم جهان بیرون خود را هم سبز کنیم و به آن خرمی همیشگی ببخشیم.

در سوره‌ی ابراهیم خداوند می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْذُنَ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ» (ابراهیم: ۲۴-۲۵)؛ **ترجمه:** «آیا ندیده‌ای که خداوند چگونه برای سخن پاک مثل زده و آن را به درختی پاک تشبیه کرده که ریشه‌اش در زمین استوار و شاخه‌اش در آسمان گسترده است و به اذن پروردگارش همواره در حال میوه دادن است. خداوند این مثل‌ها را برای مردم می‌زند بدان امید که درس بگیرند».

چنان‌که از آیات دیگر قرآن استفاده می‌شود، «کلمه» یا «سخن» در قرآن صرفاً به معنای صداهایی نیست که ما با استفاده از زبان و دهان خود تولید می‌کنیم، بلکه همه مخلوقات از جمله انسان نیز کلمات خداوند هستند، یعنی خدا از طریق آفرینش با ما سخن می‌گوید و ضمیر خود را بر آفتاب می‌افکند.

«قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مَدَادًا لَكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفَذَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا» (کهف: ۱۰۹)؛ **ترجمه:** «بگو اگر دریا برای [نوشتن] کلمات پروردگارت مرکب می‌بود، بی‌شک آن دریا، پیش از به پایان رسیدن کلمات پروردگارت، به پایان می‌رسید، ولو آنکه مددی همانند آن به میان می‌آوردیم».

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران: ۴۵)؛ **ترجمه:** «چنین بود که فرشتگان گفتند: ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ی خویش که نامش عیسی مسیح فرزند مریم است و در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان [الهی] است، بشارت می‌دهد».

بنابراین، آیات ۲۴ و ۲۵ از سوره‌ی ابراهیم هم درباره «سخن پاک» است و هم در مورد «انسان پاک». این آیات می‌گویند که انسان پاک مانند درخت پاکی است که همیشه سرسبز و حاصل‌خیز است. اگر کسی می‌خواهد سرزمین وجود او همیشه بهار و همواره سرسبز و خرم باشد، راهش این است که دل خود را از پلیدی‌ها پاک گرداند. «اندیشه‌ی نیک»، «گفتار نیک» و «کردار نیک» میوه‌های همان درختی است که خداوند در این آیات آن را «درخت

پاک» نامیده است. انسان پاک همان کسی است که درون او همیشه بهار است. منظور از پاکی در اینجا پاکی معنوی و اخلاقی است. فضایل اخلاقی، مثل گذشت، بخشندگی، ایثار، صبر، تواضع، که در درون خود می‌پروریم. همان پاکی‌هایی است که میوه آنها به صورت گفتار نیک و کردار نیک ظاهر می‌شود. ایمان نیز نوعی پاکی است در برابر کفر و شرک که از نجاست‌ها و پلیدی‌های معنوی و اخلاقی هستند. میوه درخت ایمان هم «عمل صالح» است.

این آیه نیز مضمونی مشابه آیات یاد شده دارد: «وَأَلْبَدُّ الطَّيِّبُ يُخْرَجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ» (اعراف: ۵۷)؛ **ترجمه:** «زمین پاک گیاهش به اذن پروردگارش می‌روید، [اما] زمینی که پلید است محصولی به جز چیزی ناچیز و بی‌ارزش ندارد. بدین سان نشانه‌ها را برای سپاسگزاران گونه‌گون بیان می‌کنیم».

اگر برسید که «چگونه می‌توان درون خود را به بهاری جاودانه بدل کرد؟»، یکی از پاسخ‌هایی که به این پرسش می‌توان داد این است: «با انس گرفتن با قرآن»، به همین خاطر یکی از دعاهای همیشگی ما باید این باشد: «اللهم اجعل القرآن ربيع قلوبنا»؛ یعنی «بارالها قرآن را مایه‌ی بهار دل‌هایمان قرار ده». بنابراین، نخستین درسی که باید از آمدن بهار بگیریم این است که درون خود را به گلستانی بدل کنیم که همواره خرم و سرسبز است.

#### ✓ درس دوم: همچون بهار، نسبت به تحولات درونی و معنوی خود حساس باشیم و مرتکب گناه نشویم.

حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «كُلُّ يَوْمٍ لَا يُعْصَى اللَّهُ فِيهِ فَهُوَ عِيدٌ»؛ یعنی: «هر روزی که در آن خدا معصیت نشود روز عید است». از منظر معنوی عید آن روزی است که آدمی در آن گناه نکند و از خدا دور نشود. اگر روزی آمد که در آن روز توفیق پیدا کردیم که گناه نکنیم شایسته است آن روز را جشن بگیریم. معنای دیگر این سخن آن است که انسان گناه کار عید ندارد؛ یعنی حق ندارد جشن بگیرد، بلکه باید عزا بگیرد. حضرت علی (ع) تعریف جدیدی از عید ارائه نمی‌کند؛ معنای عید همان است که بود. اما معیار جدیدی برای عید نامیدن یک روز در اختیار ما می‌نهد. از منظر ایشان، روزی که در آن انسان قدمی به خدا نزدیک شود یا دست کم از خدا دور نشود روز عید است.

به این ترتیب، کمیت زندگی مهم نیست، کیفیت آن مهم است. عمر خوش و با برکت آن است که در طی آن جان آدمی در قرب خداوند پرورده شود. و مرگ واقعی، مرگ روح یا دل آدمی است که با غفلت از یاد خدا، یاد آخرت و یاد خود در زندگی رخ می‌دهد. پس دومین درسی که باید از آمدن عید بگیریم این است که همان‌گونه که نسبت به تغییر و تحولات عالم بیرون از خود حساسیت می‌ورزیم و برخی از این تحولات را عید می‌نامیم و جشن می‌گیریم، نسبت به تحولات درونی و معنوی خود نیز حساس باشیم و اگر روزی بر ما گذشت که در آن گناه نکردیم و از خدا دور نشدیم آن روز را هم عید بنامیم و جشن بگیریم.

#### ✓ درس سوم: خانه‌ی دل هم نیازمند گردگیری و غبارروبی است.

درس سومی که از این ایام می‌توان گرفت در «خانه‌تکانی» نهفته است. مرسوم است که پیش از فرارسیدن سال نو، ما خانه‌تکانی کنیم. برای انجام این کار، همه‌جای خانه را زیر و رو می‌کنیم. اشیاء کهنه را که لازم نداریم دور می‌ریزیم و اشیاء و لوازمی را که لازم داریم نگاه می‌داریم، اما از آن‌ها گردگیری و غبارروبی می‌کنیم. درس اخلاقی و معنوی که از این کار باید بگیریم این است که با خانه‌ی دل خود نیز چنین کنیم. دل ما قرار است خانه‌ی خدا باشد و این خانه هم گرد و خاک می‌گیرد و لذا نیازمند گردگیری و غبارروبی است.

<sup>۱</sup>- نهج البلاغه، کلمه قصار ۴۲۰

در آیه‌ای از قرآن، خداوند به حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل فرمان داده است که خانه‌ی او را پاک کنند: «وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبْرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَنَّ طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ» (بقره: ۱۲۵)؛ **ترجمه:** «و یاد کنید که خانه [کعبه] را بازگشتگاه و حرم امن مردم قرار دادیم و [گفتیم] از مقام ابراهیم نمازگاهی بسازید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که خانه‌ام را برای غریبان [مسافران] و مقیمان و نمازگزاران پاکیزه گردانید».

ما به هر چیزی که تعلق خاطر پیدا کنیم به همان نسبت از توجه و تعلق خاطرمان به خداوند کم می‌شود. دلبستگی به دنیا و امور دنیوی، مانند مال و ثروت و قدرت و شوکت و شهرت، و نیز رذایل اخلاقی، مانند تکبر و حسادت و بخل و کینه و عجب و خودبزرگ‌بینی، اموری هستند که جا را برای دلبستگی به خدا و آخرت و برای فضایل اخلاقی تنگ می‌کنند و دغدغه‌های معنوی و اخلاقی را در دل آدمی کمرنگ می‌کنند و می‌میرانند.

بسیاری از روابطی که شخص با دیگران برقرار می‌کند نیز چنین خاصیتی دارند، یعنی دل او را به خود مشغول و او را از یاد خدا غافل و رابطه او با خدا را تضعیف می‌کنند. خانه‌تکانی در این مورد به این است که شخص این تعلقات و دلبستگی‌ها را دور بریزد و دل خود را از رذایل اخلاقی، روابط مضر معنوی و دلبستگی‌های دنیوی و مادی پاک گرداند. اگر مراقب نباشیم رابطه با اشیاء دیگر و انسان‌های دیگر ممکن است جا را برای رابطه با خداوند در دل ما تنگ کند. رابطه قلبی ما با خداوند باید آنقدر قوی باشد که همه رابطه‌های دیگر را تحت الشعاع خود قرار دهد.

#### ✓ درس چهارم: از بهار، عبرت گیریم و آماده‌ی رستاخیز باشیم.

فصل بهار فصل زنده شدن طبیعت و بیدار شدن زمین از خواب زمستانی است. به تعبیر بهتر، فصل «بازآفرینی» یا «آفرینش دوباره» است. احیا یا بازآفرینی یعنی زنده کردن چیزی پس از مرگ آن. یکی از درس‌های معنوی مهمی که از رویش گیاهان و سرسبز شدن دوباره درختان در فصل بهار می‌توان گرفت و باید گرفت این است که این آفرینش مجدد مختص طبیعت نیست، بلکه آدمیان نیز پس از مرگ دوباره زنده می‌شوند. در واقع فصل بهار حاوی یک هشدار جدی به آدمیان است، و آن هشدار این است که همان خدایی که طبیعت را پس از مردن آن زنده می‌کند قادر است شما را هم پس از مرگ‌تان زنده کند. بنابراین، نباید خیال کنید که با مردن همه چیز تمام می‌شود. رویش گیاهان و سرسبز شدن درختان در فصل بهار یکی از نشانه‌هایی است که می‌تواند زندگی پس از مرگ را به آدمیان یادآوری کند و یاد آخرت را در دل آنان زنده نگه دارد.

خداوند در قرآن فرموده است: «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَثِيرٌ سَحَابًا فُسْفَنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (فاطر: ۹)؛ **ترجمه:** «خدا همان کسی است که بادها را می‌فرستد و آن بادها ابری را برمی‌انگیزند و آن ابر را به سوی سرزمین مرده‌ای می‌رانیم و به کمک آن [ابر] زمین مرده را پس از مرگش حیات تازه می‌بخشیم. رستاخیز نیز همین گونه است».

#### ✓ درس پنجم: از افشاگری بهار عبرت گیریم و بذره‌های نیکو در دل و ذهن مان بکاریم.

در فصل بهار هر درختی میوه مخصوص خود را به بار می‌آورد و هر بذری گیاه مناسب خود را. یعنی در فصل بهار اسرار زمین هویدا می‌شود و معلوم می‌شود که زمین در فصل زمستان چه خورده بوده و چه چیزی در دل آن پنهان شده بوده است. در آخرت نیز چنین است. نیت‌هایی که ما در سر می‌پرورانیم و سایر تحولاتی که در درون ما رخ می‌دهد در این دنیا از چشم خلق پنهان است، اما اینها دانه‌هایی است که در مزرعه درون خود می‌کاریم و این دانه‌ها در روز قیامت میوه‌های خود را ببار می‌آورند و راز درون شخص را آشکار می‌کنند. آنکه گندم کاشته است گندم درو خواهد کرد و آنکه جو کاشته است جو.

این درس نیز از قرآن الهام گرفته شده است. یکی از نام‌های قیامت در قرآن «روز فاش شدن رازها» است. «يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ» (طارق: ۹)؛ **ترجمه:** «روزی که رازها از پرده برون افتد». در روز قیامت باطن آدمیان ظاهر می‌شود و شخصیت هر کس چنان که هست بر آفتاب افکنده می‌شود. این شخصیت چیزی نیست مگر مجموعه، فضایل یا رذایلی که شخص در این دنیا در اثر تکرار کارهای نیک و بد در باطن خود پرورانده است. پس بهوش باشیم که در دنیا، بذره‌های نیکو در دل و ذهن و زندگی خویش بکاریم تا در آخرت، همان‌ها را درو نماییم.

## ❖ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

ردیف	درس‌های معنوی از فصل بهار
۱	همچون بهار، درون خود را به گلستانی همیشه خرم و سرسبز بدل کنیم.
۲	همچون بهار، نسبت به تحولات درونی و معنوی خود حساس باشیم و مرتکب گناه نشویم.
۳	همچون بهار، دل‌هایمان را گردگیری و غبارروبی نماییم.
۴	از بهار، عبرت گیریم و آماده‌ی رستاخیز باشیم.
۵	از افشاگری بهار عبرت گیریم و بذره‌های نیکو در دل و ذهن مان بکاریم.